

## **Right to Food from Perspective of Instruments of International Law with Emphasis to Nutrition Right of Children**

*Manuchehr Tavassoli Naini<sup>1</sup>, Ghazaleh Behzadfar<sup>2</sup>*

### **Abstract**

The right to food is one of the basic and fundamental rights for every person. In order to be able to benefit from other rights, people's nutritional needs must first be satisfied. Without securing and attending to this right and innate need, a human will not be able to live and benefit from the rest of human rights. The right to food is not a separate and distinct topic, it's one of the subsets rights of economic and social rights that are recognized under the title of right to adequate standards of living including right to food. The result of this research shows that in addition to the universal importance of right to food and nutrition, children's nutrition is more important because of their age and health status. Child nutrition as well as other rights, particularly right to education is very closely related. These are the things that turn the right to food into one of the most important human rights that requires attention, infringement on which should be followed up and investigated.

### **Keywords**

Right to Food, Child, Economic Law, Social Law, Hunger, Adequate standard of Living

**Please cite this article as:** Tavassoli Naini M, Behzadfar GH. Study of Social Rights and Rehabilitation of Children with Disabilities in International instruments and Iranian Laws. *Child Rights J* 2020; 2(5): 103-128.

---

1. Associate Professor of Department of Law, Faculty of Administrative Sciences and Economics , University of Isfahan, Isfahan, Iran.

2. M.A. in International Law, Shahid Ashrafi Esfahani University, Isfahan, Iran. (Corresponding author) Email: tavassoli@ase.ui.ac.ir

## حق تغذیه از دیدگاه اسناد حقوق بین‌الملل با تأکید بر

### حق تغذیه کودکان

منوچهر توسلی نائینی<sup>۱</sup>

غزاله بهزادفر<sup>۲</sup>

#### چکیده

حق تغذیه یکی از حقوق اساسی و بنیادین هر شخص است. انسان برای این‌که بتواند از سایر حقوق خود بهره‌مند شود و آن‌ها را محقق کند، ابتدا بایستی از لحاظ غذایی تأمین شود، زیرا بدون تأمین و رسیدگی به این حق و نیاز غریزی انسان زنده نخواهد ماند که بتواند از سایر حقوق بشری خود بهره‌مند شود. حق تغذیه در میان حقوق بشری عنوان مجزا و جداگانه‌ای ندارد و یکی از حقوق زیر مجموعه حقوق اقتصادی و اجتماعی است که تحت عنوان حق بر استانداردهای مناسب زندگی از جمله «حق بر غذا» شناخته می‌شود. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که علاوه بر اهمیت همگانی حق تغذیه، کودکان به دلیل وضعیت سنی و جسمانی که دارند، تغذیه آن‌ها از اهمیت بیشتر برخوردار است. تغذیه کودک با سایر حقوق او به ویژه حق آموزش ارتباط نزدیکی دارد. این‌ها از جمله مواردی هستند که حق تغذیه را به یکی از مهم‌ترین حقوق انسانی تبدیل می‌کند که بایستی به آن توجه شود و نقض آن مورد پیگیری و رسیدگی قرار گیرد.

#### واژگان کلیدی

حق تغذیه، کودک، حقوق اقتصادی، حقوق اجتماعی، استاندارد مناسب زندگی

۱. دانشیار گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۲. کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران. (نویسنده مسؤل)

Email: tavassoli@ase.ui.ac.ir

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۶/۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۹/۱۱

## مقدمه

نیازهای اساسی انسان عبارتند از خوراک، پوشاک و مسکن. آدمی برای ادامه حیات خود و انجام فعالیت‌های روزمره خود نیازمند غذا و تغذیه است. از این رو یکی از حقوق بنیادین هر فرد انسانی که قابل نقض و تخطی نیست، حق بر غذا و دسترسی به غذای کافی است. نقض و تجاوز به این حق باعث خلل در سایر حقوق بشر به ویژه حق حیات که مهم‌ترین حق بشری هر انسانی است، می‌شود. بنابراین توجه و رعایت و احترام به این حق بایستی وظیفه و تعهد هر فرد، دولت و سازمانی باشد.

در طول ۲۵ سال گذشته، حق تغذیه و حق برخورداری انسان‌ها به غذای کافی دستخوش تحولات سرسام‌آوری بوده است. برخی از دولت‌ها آن را سنگ بنای سیاست‌های امنیت غذایی و تغذیه در نظر گرفته‌اند و آن را به عنوان یک استاندارد ضروری در برنامه‌های سیاسی سازمان‌های جامعه مدنی برای جهانی عاری از گرسنگی گنجانده‌اند. بسیاری از سازمان‌ها و جنبش‌ها نیز حق دسترسی به غذا را به عنوان یکی از تبلیغات سیاسی خود اعلام کرده‌اند. با این حال، آمار و ارقام گرسنگی در جهان نشان می‌دهد که تحقق حق دسترسی به غذا پیشرفتی نداشته است. در حال حاضر این حق توسط سازمان ملل و قوانین اساسی کشورها شناخته شده است. تحقق این حق با برآوردن نیازهای اولیه و اساس انسان، زمینه تحقق سایر حقوق بشری شخص را فراهم می‌کند و از این جهت با کرامت انسانی مرتبط است (۱).

حق تغذیه در اسناد مهم بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است. برای مثال این حق به عنوان یکی از حقوق زیرشاخه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده و از نظر ماهوی و مکانیزم‌های تضمین حق، مشابه حقوق مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در نظر گرفته می‌شود. حق تغذیه یا حق بر غذا در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عنوان مستقلی ندارد و در بند ۱ ماده ۱۱ میثاق فوق‌الذکر با عنوان «استاندارد مناسب زندگی» آمده است: «کشورهای طرف این میثاق حق هرکس را به داشتن سطح زندگی مناسب و کافی برای خود و خانواده‌اش

شامل خوراک، پوشاک و مسکن کافی و همچنین بهبود مداوم شرایط زندگی به رسمیت می‌شناسد.»

از آنجایی که حق تغذیه یکی از حقوق بنیادین بشری است، رابطه نزدیک با سایر حقوق بشر دارد و حتی می‌توان گفت که این حق پیش‌شرط تحقق سایر حقوق است. برای مثال حق بر غذا و حق بر آموزش رابطه مستقیم دارند. تغذیه مطلوب برای شکل‌گیری ظرفیت‌های کامل انسانی ضروری است. کودکانی که غذای کافی دریافت نمی‌کنند، رشد جسمی و روحی مطلوبی نمی‌یابند و عطش یک وعده غذایی کافی و مطلوب آن‌ها را در معرض هر نوع سوءاستفاده‌ای قرار می‌دهد. این‌گونه است که سرنوشت فردای یک جامعه از نسلی که بر این روال پرورش یابد، از اکنون روشن است. نوشته حاضر قصد دارد با روش توصیفی - تحلیلی با ابزار کتابخانه‌ای ابتدا به بررسی تعریف و مفاهیم مرتبط با حق تغذیه بپردازد، جایگاه این حق در حقوق بشر را مشخص کند. جایگاه حق تغذیه در اسناد و سازمان‌های مرتبط با این حق مشخص می‌شود و در آخر وضعیت تغذیه کودکان و موضوعات مرتبط با آن مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

### اهمیت غذا و تغذیه سالم

غذا یکی از اصلی‌ترین نیازهای بشر می‌باشد و تبادل مواد غذایی برای تأمین نیازهای جوامع از دیرباز وجود داشته است. اگر غذایی که یک نفر مصرف می‌کند، نیازهای تغذیه‌ای او را تأمین نکند، مبتلا به کمبودهای تغذیه‌ای می‌شود. در واقع تغذیه مناسب، انرژی و مواد مغذی مورد نیاز برای ساخت، ترمیم و نگهداری بافت‌ها را فراهم می‌آورد. به طور کلی می‌توان گفت غذا از اجزای زیر درست شده است: آب، پروتئین، مواد قندی و نشاسته‌ای (گلوکید) چربی‌ها و روغن‌ها (لیپیدها) ویتامین‌ها، مواد معدنی و مواد دیگر (۲). امروزه به شکل متناقضی، در حالی که تولید جهانی سرانه غذای تا (سطوح بی‌سابقه‌ای بالا رفته است، گرسنگی همچنان یک واقعیت فراگیر در جهان امروز است. ۹۲۵ میلیون از جمعیت نزدیک به ۷ میلیارد میلیون نفری جهان سوءتغذیه

دارند (۳) و برخی افراد در جهان از گرسنگی یا مسائل مربوط به آن هر چند دقیقه در هر روز می‌میرند (۴). از آنجایی که آدمی برای زنده ماندن و کوچک‌ترین اعمال حیاتی‌اش نیازمند غذا است، دستیابی به سایر جوانب زندگی و حقوق دیگر انسانی‌اش در گرو تأمین این نیاز حیاتی است. تغذیه سالم یکی از عوامل مهم در سلامتی جسم و روان انسان‌هاست. فردی می‌تواند سالم، شاداب، پرتحرک و بااستعداد باشد و از سلامت روان برخوردار گردد که ضمن رعایت سایر نکات بهداشتی، از تغذیه متعادل بهره‌مند شود (۲). به نظر می‌رسد گاهی امکان دارد که در مطالبی با این دو واژه برخورد کنیم غذای سلامتی بخش و تغذیه‌ای سالم و کافی همانطور که در تعریف این دو واژه گفته شده و تفاوت آن‌ها مشخص است این نکته نیز قابل ذکر است که در واقع تغذیه سالم و کافی باید شامل غذای سلامتی بخش باشد. تغذیه‌ای که بر اساس اصول علمی و با در نظر گرفتن تمامی احتیاجات بدن ما تنظیم شده باشد، سلامت انسان را تأمین می‌کند. غذایی که در واقع سالم باشد و سلامتی به انسان ببخشد، غذایی است که انسان را از تغذیه سالم و کافی بهره‌مند می‌کند.

### تعریف حق تغذیه

حق تغذیه به معنای حق دسترسی به حداقل غذا و آب اساسی، کافی، سالم و قابل قبول است. غذا باید عاری از مواد زیان‌آور بوده و برای رفع نیازهای جسمی، روانی و فعالیت‌های جسمی فرد کافی باشد (۵). در تعریفی که توسط کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در نظر عمومی شماره ۱۲ بیان می‌کند: «حق دسترسی به غذای کافی زمانی محقق می‌شود که هر مرد، زن و کودک، به تنهایی و یا در معیت دیگران، دسترسی فیزیکی و اقتصادی در تمام اوقات به غذای کافی یا وسیله تهیه آن داشته باشند. از نظر گزارشگر ویژه حق تغذیه سازمان ملل (UN Special Reporter on the Right to Food) حق دسترسی به غذا عبارت است از: حق دسترسی به طور منظم، دائمی و بدون محدودیت، چه به طور مستقیم و چه از طریق خرید مالی، به لحاظ کمی

و کیفی مناسب و غذای کافی که به سنت‌های فرهنگی مردم مصرف‌کننده تعلق دارد که باعث اطمینان از سلامت جسمی و روانی، زندگی فردی و اجتماعی و امیدواری و زندگی بدون ترس را ایجاد می‌کند و این تعریف کمیته و گزارشگر ویژه از این نظر نقطه اشتراک دارند که هر دو بر بر تعریف امنیت غذایی ارائه‌شده توسط دولت‌های شرکت‌کننده در برنامه عمل اجلاس جهانی ۱۹۹۶ تأکید می‌کنند (۶).

حق تغذیه به عنوان حقی بشری از حقوقی است که در مجموعه حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی طبقه‌بندی می‌شود. به موجب میثاق اخیر، «حق تغذیه یا حق بر غذا»، حق بر رهایی از گرسنگی و دسترسی پایدار به غذا با کیفیت و کمیتی است که پاسخگوی نیازهای غذایی و فرهنگی باشد (۷). این حق یک نیاز حیاتی و ضروری است. تحقق آن برای تحقق و برآورده‌شدن دیگر نیازهای آدمی ضروری است. حق زندگی و حق سلامتی به طور جدایی‌ناپذیری به حق غذا وابسته و مرتبط هستند (۴).

### حق تغذیه و نسل‌های حقوق بشر

مقوله نسل‌های حقوق بشر، بیانگر این نکته مهم است که حقوق بشر در یک فرایند متداوم تحول و تغییر قرار دارد و علت و سبب آن در شرایط امروزی دنیا، تحولات جهان و مشارکت مستقیم و غیر مستقیم بازیگران غیر دولتی و ظهور تابعان جدید حقوق بین‌الملل است. کارل واساک (Karel Vasalk)، در طرح پیشنهادی خود که در مجله یونسکو در نوامبر ۱۹۷۷ به چاپ رسید، برای نخستین‌بار از فرمولی با عنوان نسل‌های حقوق بشر استفاده نمود و این نسل‌ها را بر پایه تطور حقوق بشر در سه مرحله تاریخی جای داد (۸)، البته به نظر می‌رسد که امروزه ما شاهد چهار نسل از حقوق بشر هستیم، زیرا همانطور که بیان شد، حقوق بشر یک مسأله‌ای است که مداوم در حال تحول و تغییر است و با تحولات جهان و گذشت زمان دچار تغییرات و تحولات زیادی می‌شود.

حقوق مدنی و سیاسی از حقوق نسل نخست و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از حقوق نسل دوم می‌باشند، حقوق نسل دوم که عموماً پس از جنگ جهانی دوم و در میانه سده بیستم مورد پذیرش قرار گرفتند به حقوق فردی و جمعی، حقوق مطالبه از دولت، یعنی حقوقی که به شخص حق درخواست بهره‌گیری از آن‌ها از دولت را می‌بخشد، اضافه شدند (۵). به نظر می‌رسد که اصلی‌ترین جایگاه حق تغذیه در میان این چهار نسل از حقوق بشر، همین حقوق نسل دوم است. همانطور که بیان شد، این نسل مواد ۲۲ تا ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر را به خود اختصاص داده‌اند که در ماده ۲۵ به حق تغذیه اشاره می‌کنند. اکثر نویسندگان در تعریف و شرح حقوق اقتصادی و اجتماعی به این صورت بیان کرده‌اند که حقوق اقتصادی و اجتماعی هستند، همانند کار، آموزش و پرورش، سلامت و...، حتی در مثال‌های ابتدایی این حقوق به حق تغذیه و دسترسی به غذای کافی هم توجه نشده است، در صورتی که به نظر می‌رسد باید یکی از اولین و بارزترین مثال‌ها برای این حقوق حق تغذیه باشد.

حقوق نسل سوم یا حقوق همبستگی عبارتند از: حق تعیین سرنوشت - حق صلح - حق توسعه، حق بر محیط زیست سالم، حق بر میراث مشترک بشریت، حق برخورداری از کمک‌های بشردوستانه و حق ارتباطات. عمدتاً این حقوق در حقوق بین‌الملل مورد بحث قرار می‌گیرند (۵). به نظر می‌رسد که این نسل از حقوق بشر با حق تغذیه ارتباط بسیار نزدیکی داشته باشند، از آنجایی که موضوعات این نسل مانند حق صلح از حقوق بشر هم تأثیرپذیر و هم تأثیرگذار بر تغذیه هستند، در بسیاری از موارد نقض این حق با نقض حق تغذیه و به خطراتادن تغذیه بشر همراه است. از دیگر حقوق این نسل حق توسعه می‌باشد و حق همه مردم می‌داند که از توسعه در جانب مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برخوردار باشند. از آنجایی که دستیابی به توسعه اقتصادی، تأمین غذایی به همراه دارد و همچنین دولت‌هایی نیز که از توسعه اقتصادی برخوردارند، در تأمین مواد غذایی مردم خود تواناتر هستند، بنابراین می‌توان رابطه بین دو حق با یکدیگر برقرار نمود. امروز در زمینه توسعه پایدار بحث‌ها، گفتگوها و اقدامات بسیاری انجام می‌شود که با دستیابی به امنیت غذایی مرتبط است. حق دیگر قابل بحث و مؤثر

بر تغذیه حق بر محیط زیست سالم است که با توجه به وضعیت دنیا امروز، آلودگی‌ها، تخریب منابع طبیعی و... دسترسی به مواد غذایی سالم، ارگانیک و طبیعی تحت تأثیر قرار گرفته است. در زمین‌های آلوده و تخریب‌شده امکان به دست‌آوری مواد غذایی سالم و با بهره غذایی بالا وجود ندارد. با تخریب محیط زیست، دسترسی به تولید و بهره‌وری از غذای سالم هم روز به روز کم‌تر می‌شود. در زمین‌های آلوده و تخریب‌شده امکان به دست‌آوردن مواد غذایی سالم و با بهره غذایی بالا وجود ندارد. با تخریب محیط زیست، دسترسی به تولید و بهره‌برداری از غذای سالم هم روز به روز کم‌تر می‌شود.

### جایگاه حق تغذیه در اسناد بین‌المللی

اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ اولین بار حق برخورداری از غذا و تغذیه را به عنوان یکی از حقوق بشر به رسمیت شناخت. این حق بعداً در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ماده ۱۱) لحاظ شده و در سال ۱۹۶۶ تصویب شده و به تأیید اکثریت کشورها رسید. امروزه این کشورها به لحاظ حقوقی ملزم به رعایت مفاد این میثاق هستند. به نظر می‌رسد که حق بر تغذیه (Right to Food) یا حق تغذیه (Nutrition Right) عنوان مستقلی در میان عناوین حقوق بشری ندارد، اما همانطور که ذکر شده، از آنجا که تغذیه از نیازهای اساسی و بنیادین بشری است بایستی این حق رعایت و محترم شمرده شود. این حق از اجزای حق بر سطح زندگی و حداقل رفاه است که در اسناد زیر به صورت موردی بیان شده است.

#### ۱- در اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸

ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان می‌کند: ۱- هرکس حق دارد که سطح زندگی او، سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبت‌های طبی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند. همچنین حق دارد که در مواقع بیکاری، بیماری، نقص اعضا، بیوگی، پیری یا تمام موارد دیگری که به علل خارج از اراده انسان، وسایل امرار معاش از بین رفته باشد، از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار شود؛ ۲- مادران و



کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت مخصوصی بهره‌مند شوند. کودکان چه بر اثر ازدواج و چه بدون ازدواج به دنیا آمده باشند، حق دارند که همه از یک نوع حمایت اجتماعی برخوردار شوند.

## ۲- در اعلامیه جهانی حقوق کودک مصوب ۱۹۵۹

در مقدمه این اعلامیه آمده است: نظر به این که کودک به علت عدم تکامل رشد بدنی و فکری، قبل و بعد از تولد به مراقبت و توجه خاص که شامل حمایت قانونی مناسب می‌باشد، نیازمند است. نظر به این که نیاز به چنین مراقبت و حمایت خاص در اعلامیه ژنو حقوق کودک سال ۱۹۲۴ آمده است و در اعلامیه جهانی حقوق بشر و در مرامنامه‌های بنیادی تخصصی سازمان‌های بین‌المللی مربوط به رفاه کارگران به رسمیت شناخته شده است، بنابراین مجمع عمومی سازمان ملل، اعلامیه حقوق کودک را با این هدف که ایام کودکی توأم با خوشبختی بوده و از پدران و مادران و زنان و مردان به عنوان افراد جامعه، سازمان‌های داوطلب، مقامات محلی و دولت‌ها خواستار است این حقوق را به رسمیت بشناسند. در ماده یک اعلامیه آمده است «کودکان باید از کلیه حقوق مندرج در اعلامیه برخوردار شوند، همه کودکان بدون استثنا و تبعیض و بدون در نظر گرفتن نژاد، رنگ، زبان، دین... ویژگی‌های فردی دیگری یا خانوادگی مشمول این حقوق می‌شوند.» ماده ۴ اعلامیه مستقیماً به حق تغذیه اشاره می‌کند که: کودک باید از امنیت اجتماعی بهره‌مند گردد، در محیطی سالم پرورش یابد و بدین منظور از کودکان و مادران باید از مراقبت و حمایت خاص که شامل توجه کافی پیش و بعد از تولد شود، بهره‌مند شود. کودک باید امکان برخورداری از تغذیه، مسکن، تفریحات و خدمات پزشکی مناسب را داشته باشد. به نظر می‌رسد در اعلامیه جهانی کودک هم همانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق تغذیه عنوان مستقل و اصل جداگانه‌ای ندارد و همانند سایر حقوقی چون مسکن، تفریحات و خدمات پزشکی قلمداد شده است.

## ۳- در میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶

ماده ۱۱ میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی نیز بیان می‌کند: ۱- کشورهای طرف این میثاق حق هرکس را به داشتن سطح زندگی کافی برای خود و خانواده‌اش شامل خوراک، پوشاک و مسکن کافی همچنین بهبود مداوم شرایط زندگی به رسمیت می‌شناسند. کشورهای طرف این میثاق به منظور تأمین تحقق این حق تدابیر مقتضی اتخاذ خواهند کرد. از این لحاظ اهمیت اساسی همکاری بین‌المللی بر اساس رضایت آزاد را اذعان (قبول) دارند؛ ۲- کشورهای طرف این میثاق با اذعان به حق اساسی هرکس به این‌که از گرسنگی فارغ باشد، منفرداً و از طریق همکاری بین‌المللی تدابیر لازم از جمله برنامه‌های مشخصی به قرار ذیل اتخاذ خواهند کرد:

- بهبود روش‌های تولید و حفظ و توزیع خواربار با استفاده کامل از معلومات فنی و علمی با اشاعه اصول آموزش تغذیه و با توسعه یا اصلاح نظام زراعی به نحوی که حداکثر توسعه مؤثر و استفاده از منابع طبیعی را تأمین نمایند.

- تأمین، توزیع منصفانه ذخایر (منابع) خواربار جهان بر حسب حوائج با توجه به مسائل (مبتلا به) کشورهای صادرکننده و واردکننده خواربار (غذا).

و همچنین در مورد وسائل معاش در ماده ۱ این میثاق بیان می‌کند که:

ماده ۱: - کلیه ملل دارای حق خودمختاری هستند. به موجب حق مزبور ملل وضع سیاسی خود را آزادانه تعیین و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را آزادانه تأمین می‌کنند.

- کلیه ملل می‌توانند برای نیل به هدف‌های خود در منابع و ثروت‌های طبیعی خود بدون اخلال به الزامات ناشی از همکاری اقتصادی بین‌المللی مبتنی بر منافع مشترک و حقوق بین‌الملل آزادانه هرگونه تصرفی بنمایند. در هیچ موردی نمی‌توان ملتی را از وسایل معاش خود محروم کرد (۹).

و اما اتخاذ اقداماتی برای تأمین ضمانت آزادی از خواسته و حفظ سطح رضایت بخشی از زندگی حتی در شرایط نامطلوب، تصویب تعداد زیادی اسناد هنجاری فراتر از ماده ۲۵ اعلامیه جهانی و ماده ۱ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را ضروری

ساخته است. اهمیت غذا، مراقبت و بهداشت در شمار دیگری از اسناد بین‌المللی حقوق بشر منعکس شده است. برخی از آن‌ها موضوعات عمومی مانند حق عمومی رهایی از گرسنگی را مورد توجه قرار داده‌اند. اغلب این اسناد به وضعیت‌های گروه‌های معینی از افراد که به ویژه به دلیل مشکلات خاص در مراقبت از نیازهای خود در معرض خطر قرار دارند را مورد بررسی قرار دهند (۱۰).

#### ۴- در اعلامیه کنفرانس جهانی تغذیه در ۱۹۷۴

کنفرانس‌های جهانی غذا در سال‌های مختلفی برگزار شده است. نمایندگان ۱۳۵ کشور در سال ۱۹۷۴، اعلامیه جهانی ریشه‌کن کردن گرسنگی و سوءتغذیه را صادر کردند که رسماً در تأیید این مسأله است که هر مرد، زن و کودک حق دارند که از گرسنگی و سوءتغذیه به منظور توسعه استعدادهای جسمی و ذهنی رها باشند و اذعان می‌دارند که دولت‌ها ملزم‌اند تا علاوه بر کار فردی و جداگانه، با یکدیگر برای تولید بیشتر غذا و توزیع مؤثرتر و مناسب و کافی‌تر غذا بین کشورها و درون کشورها، همکاری داشته باشند (۴).

#### ۵- در اعلامیه کنفرانس جهانی تغذیه رم ۱۹۹۲

کنفرانس دیگری در سال ۱۹۹۲ در رم ایتالیا تشکیل شد. این کنفرانس که توسط سازمان غذا و کشاورزی FAO و سازمان بهداشت جهانی WHO تشکیل شد و کشورها اطلاعات خویش را درباره عوامل مؤثر بر گرسنگی و سوءتغذیه با یکدیگر در میان گذاشتند و درباره راه‌های خاتمه بخش به گرسنگی و سوءتغذیه به بحث پرداختند (۴). در اعلامیه این کنفرانس تصویب‌کنندگان عزم راسخ خود را در راه از بین بردن گرسنگی و کاستن از سوءتغذیه به اشکال گوناگون آن اعلام داشتند و گرسنگی و سوءتغذیه در دنیایی که دانش و معلومات و منابع لازم جهت پایان دادن به این فاجعه بشری را در اختیار دارد، امری غیر قابل قبول دانستند. آن‌ها اعلام کردند در جهانی که، غذای کافی برای تغذیه همگان وجود دارد و مشکل اصلی تغذیه در حقیقت عدم دستیابی برابر به مواد غذایی است، دستیابی به غذای سالم و کافی مبتنی بر علم تغذیه حق هر انسانی

دانستند و با در نظر داشتن حق انسان‌ها در دستیابی به شرایط کافی زندگی، من جمله دسترسی به غذای کافی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است، تمام همت خود را در تلاشی یکپارچه برای تحقق رهایی از گرسنگی به کار خواهند گرفت.

#### ۶- در اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر وین ۱۹۹۳

اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر وین ۱۹۹۳ به طور مستقیم به بیان حق تغذیه نپرداخته است، بلکه مواردی در این اعلامیه وجود دارد که مرتبط و تأثیرگذار بر حق تغذیه در یک کشور هستند، یکی از مواردی که در این اعلامیه به آن توجه کرده، بدهی‌های یک کشور است که امکان این وجود دارد که این بدهی‌های زیاد بر کشاورزی، واردات و صادرات کشور تأثیرگذار باشد و حق تغذیه را به خطر بیندازد که در پاراگراف ۶ مکرر این اعلامیه به آن اشاره شده است.

پاراگراف ۶ مکرر: کنفرانس جهانی از جامعه بین‌المللی می‌خواهد که از هرگونه تلاش برای رفع مشکل بدهی خارجی کشورهای در حال توسعه دریغ نوزد تا این که در سعی این دولت‌ها برای دستیابی به تحقق کامل حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم این کشورها مساعدت شود (۱۱).

مسأله بعدی که می‌توان به آن اشاره کرد، فقر است که می‌تواند یکی از عوامل مهم و مؤثر بر کمبود تغذیه محسوب شود، زیرا که فقر مادی به همراه خود فقر غذایی نیز به همراه خواهد داشت.

در پاراگراف ۷ مکرر بیان می‌کند: وجود گسترده فقر شدید مانع از برخورداری کامل و مؤثر از حقوق بشر می‌شود. رفع عاجل و امحای نهایی آن بایستی در اولویت بالای برنامه‌های جامعه بین‌المللی باقی بماند (۱۱).

در اعلامیه‌های دیگری همچون اعلامیه کنفرانس توسعه اجتماعی، کپنهاگ ۱۹۹۵، اعلامیه کنفرانس جهانی اسکان بشر ۱۹۹۶، اجلاس جهانی غذا، رم ۱۹۹۶ و اجلاس اعلامیه هزاره در سال ۲۰۰۰ به مسأله گرسنگی، ریشه‌کن کردن سوءتغذیه و از بین بردن فقر و دسترسی همگان به غذای کافی توجه شده است.

### حق تغذیه از دیدگاه سازمان‌های بین‌المللی

ضرورت اجتناب از جنگ و مخاصمات بین دولت‌ها، پیشرفت علوم و فنون، توسعه ارتباطات، بسط مناسبات تجاری و بالاخره احساسات بشردوستانه مهم‌ترین دلایل ایجاد و گسترش و تقویت سازمان‌های بین‌المللی در طول قرن بیستم و سال‌های اخیر بوده است (۱۲). در این قسمت به نقش سازمان‌های بین‌المللی در عرصه حق تغذیه و رابطه آن‌ها به حمایت و پیشرفت این حق خواهیم پرداخت.

#### ۱- سازمان ملل متحد

طبق ماده ۱ منشور ملل متحد، مقاصد و اهداف سازمان را در ۴ بند بیان می‌کند که اصلی‌ترین آنکه مد نظر ما است، رعایت حقوق بنیادین بشری و همکاری در مسائل اقتصادی و بشر دوستی و حقوق اساسی انسانی جز اهداف سازمان ملل متحد است. برای رسیدن به این اهداف سازمان ملل دارای نهادهای تخصصی است که به صورت اختصاصی و موردی مسائل مهم و اهداف منشور را پیگیری و رسیدگی می‌کند. سازمان ملل متحد همچنین برنامه‌هایی در رابطه با حق تغذیه و تغذیه افراد در برنامه کار خود دارد، برنامه‌هایی همچون مبارزه با گرسنگی، برنامه توسعه ملل متحد UNDP و کاهش فقر. بیشتر نهادهای سازمان ملل که با گرسنگی مبارزه می‌کنند، برنامه‌های اجتماعی مهمی دارند تا امنیت غذایی بخش‌های فقیرتر جمعیت‌ها را، به ویژه در نواحی روستایی بیشتر کنند (۱۳).

علاوه بر سازمان ملل، سازمان‌های تخصصی وابسته به سازمان ملل نیز در زمینه‌های تخصصی خود مشغول به فعالیت هستند. اهداف این سازمان‌ها در راستای تحقق اهداف سازمان ملل متحد است و برای بهبود اوضاع اقتصادی و اجتماعی مردم جهان تلاش می‌کنند. ضرورتی که سازمان ملل متحد را به برقراری ارتباط با مؤسسات تخصصی واداشته است، از مقررات منشور ملل متحد ناشی می‌شود. منظور از برقراری این ارتباط تحقق هدف‌های منشور در زمینه امور اجتماعی و اقتصادی و نیز امور فرهنگی و بشر دوستانه است که در منشور ملل متحد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (۱۴).

## ۲- سازمان خواروبار و کشاورزی فائو (FAO)

فائو از زمان تأسیس، برای کاهش فقر و گرسنگی از طریق حمایت از توسعه کشاورزی، تغذیه بهتر و تأمین امنیت غذایی، دسترسی فیزیکی و اقتصادی همه مردم در همه وقت به غذای کافی، سالم و مقوی برای تأمین نیازهای تغذیه‌ای و اولویت‌های غذایی آنان برای زندگی سالم و فعالانه، تلاش کرده است (۱۳). هدف سازمان خواروبار و کشاورزی جهانی، خدمت به گسترش اقتصاد جهان از طریق بهبود و کفایت تولیدات و توزیع محصولات کشاورزی و نیز بالا بردن سطح تغذیه و سطح زندگی و همچنین تأمین بهبود کارایی در تولید و توزیع کلیه فرآورده‌های غذایی، کشاورزی، جنگلی و ماهی‌گیری است. این سازمان با همکاری سازمان ملل متحد از طریق برنامه «پیکار جهانی علیه گرسنگی» و «برنامه تغذیه جهانی» به آموزش کشورهای در حال توسعه در زمینه حل مسائل تغذیه و تولید مواد غذایی می‌پردازد. در حال حاضر، تعداد اعضای سازمان خواروبار و کشاورزی جهانی بالغ بر ۱۷۰ کشور و مقر آن در شهر رم (ایتالیا) است (۱۵).

به نظر می‌رسد که با توجه به اهداف و وظایف فائو و زمینه‌های تلاش این سازمان و همچنین برنامه‌ها و فعالیت‌های سازمان، اگر سازمان‌های بین‌المللی دیگر و دولت‌ها همکاری نزدیک و با برنامه‌ای کنار یکدیگر داشته باشند، بتوانند به بسیاری از مشکلات تغذیه‌ای دنیای امروز فائق آیند و گرسنگان جهان را از فقر غذایی نجات بخشند. همچنین فائو در زمینه تغذیه فعالیت‌ها و برنامه‌های فراوانی را انجام می‌دهد، از جمله این برنامه‌ها می‌توان به برنامه‌هایی از گرسنگی اشاره کرد که این برنامه در سال ۱۹۶۰ توسط فائو آغاز شد و با کمک‌های مردم اجرا می‌شود. از دیگر برنامه‌های دیگر فائو می‌توان به برنامه جهانی غذا (WFP) اشاره کرد که از سال ۱۹۶۳ شروع شده و در زمان‌های خشکسالی یا قحطی در کشورهای در حال توسعه کمک‌های غذایی برای آسودگی مردم فراهم می‌آورد. یکی دیگر از اقدامات فائو تشکیل اجلاس جهانی غذا در سال ۱۹۸۶ و حمایت از حق بر غذای کافی است که این اجلاس تعهداتی را در این

زمینه برای دولت‌ها مقرر کرد. این سازمان همچنین برنامه‌های مشترکی با سازمان ملل دارد که از جمله به برنامه جهانی غذا می‌توان اشاره کرد.

### ۳- سازمان بهداشت جهانی (WHO)

از دیگر سازمان‌های بین‌المللی که در زمینه تغذیه فعال است، سازمان بهداشت جهانی است که به نظر می‌رسد این سازمان با نظارت بر سلامت و بهداشت مواد غذایی و محصولات کشاورزی، بهداشت محیط‌های زندگی و همچنین وضعیت بهداشت و سلامت مادران و تغذیه آن‌ها و بررسی وضعیت چگونگی تغذیه کودکان و ارائه آموزش‌های بهداشتی در زمینه‌های مختلف به بهبود سلامت و وضعیت رشد بشر امروز تأثیر به‌سزایی داشته باشد. این سازمان در حال حاضر نقش اصلی را در مبارزه جهانی با ویروس کرونا (کوید ۱۹) ایفا می‌کند.

### ۴- صندوق بین‌المللی برای توسعه کشاورزی (IFAD)

یکی دیگر از سازمان‌هایی که بی‌تأثیر بر وضعیت تغذیه جهان نیست، سازمان صندوق بین‌المللی برای توسعه کشاورزی (IFAD) است. ایجاد صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی (ایفاد) به پیشنهاد کنفرانس جهانی غذا در رم (۱۹۷۴ م.) صورت گرفت. موافقت‌نامه ایفاد (در ۳۰ نوامبر ۱۹۷۷ م.) لازم‌الاجرا شد و نهاد مذکور در ۱۱ دسامبر ۱۹۷۷ فعالیت خود را آغاز کرد (۱۴). هدف اصلی این سازمان، بسیج منابع اضافی به منظور ارائه آن با شرایط ترجیحی برای توسعه کشاورزی در کشورهای در حال توسعه عضو است. صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی در وهله نخست هزینه طرح‌ها و برنامه‌هایی را که به ویژه به منظور ایجاد، توسعه یا اصلاح نظام تولید مواد غذایی و تقویت سیاست‌ها و نهادهای مربوط در چارچوب تقدم‌ها و استراتژی‌های ملی طراحی شده است، تأمین می‌کند. در تعیین تقدم برای منابع تخصص‌یافته، نیاز به افزایش تولید مواد غذایی، بهبود تغذیه فقیرترین جمعیت‌ها در فقیرترین کشورهای دچار کمبود مواد غذایی و ظرفیت افزایش تولید غذا در سایر کشورهای در حال توسعه

راهنمای صندوق است. در چارچوب این تقدم‌ها، استحقاق دریافت کمک از صندوق بر مبنای معیارهای عینی اقتصادی و اجتماعی مشخص می‌شود (۱۴).

#### ۵- صندوق کودکان ملل متحد (UNICEF)

در زمینه چگونگی وضعیت تغذیه کودکان علاوه بر سازمان‌هایی که به طور کلی در زمینه تغذیه همه مردم کره زمین اعم از کودکان و بزرگسالان فعالیت می‌کنند، برخی از سازمان‌ها به صورت تخصصی ویژه به مسائل کودکان و مشکلات آن‌ها من‌الجمله تغذیه رسیدگی می‌کنند، از نمونه این سازمان‌ها می‌توان سازمان صندوق کودکان ملل متحد را نام برد. یونیسف، سازمانی پیشرو در امور کودکان است که در ۱۹۰ کشور جهان برای احقاق حقوق کودکان در زمینه بقا، رشد و تکامل و حمایت فعالیت می‌کند. برای حمایت از حقوق کودکان برای بقای محافظت و توسعه آنان اقدام می‌کند. اولویت‌های کنونی یونیسف بقا و توسعه کودک، آموزش کیفی همه کودکان و تأمین محیطی حمایتی برای کودکان است که تحت تأثیر اچ.آی.وی/ایدز، خشونت، بدرفتاری، بهره‌کشی، جنگ و بلایای طبیعی قرار دارند. این هدف‌ها با آرمان‌های توسعه هزاره و هدف‌های دنیای مناسب کودکان و سند نهایی اجلاس ویژه ۲۰۰۲ جمع عمومی درباره کودکان هماهنگ است (۱۳). به نظر می‌رسد با توجه به یکی از اولویت‌های اصلی این سازمان که بقای کودکان است و راهنمای عمل سازمان که پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک است، بتوان یکی از حامیان مهم کودکان در زمینه رعایت حق تغذیه‌شان را این سازمان دانست، زیرا در مواد کنوانسیون حقوق کودک به اهمیت تغذیه کودکان اشاره شده است و حتی به صورت اطلاعات عمومی نیز همه بر اهمیت تغذیه در کودکان آگاه هستند، این سازمان از دسته سازمان‌هایی است که می‌تواند به روند بهبود وضعیت تغذیه به ویژه در مورد کودکان گام‌های مؤثری بردارد.

#### ۶- سازمان‌های غیر دولتی (NGO: Non-Governmental Organization)

در حدود ۱۶۰۰ سازمان غیر حکومتی با مرکز اطلاعات سازمان ملل همکاری می‌کنند. فائو از ۱۹۶ سازمان غیر حکومتی کمک می‌طلبد. صندوق بین‌المللی توسعه



کشاورزی با ۳۷۰ سازمان، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با ۱۹ سازمان مشاوره عام و ۲۰ سازمان مشاوره خاص، سازمان بین‌المللی کار از ۸ سازمان غیر حکومتی بین‌المللی و ۱۶ سازمان غیر حکومتی منطقه‌ای استفاده می‌کند (۸). به نظر می‌رسد با توجه این سازمان‌ها و افزایش تعداد آن‌هایی که به حقوق اقتصادی و اجتماعی رسیدگی می‌کنند و در زمینه این حقوق فعالیت می‌کنند، می‌تواند تأثیر مثبت و مؤثری در روند بهبود وضعیت تغذیه جهان و تغذیه کشورهایی که از مشکلات غذایی رنج می‌برند، داشته باشد. به نظر می‌رسد این سازمان‌ها در کنار سازمان‌های بین‌المللی به وضعیت تغذیه جهان کمک کنند و از نقض و تخلفات غذایی در کشورها مطلع شده و آن را به مراجع ذی‌صلاح اطلاع داده و یا از نقض و یا وخامت اوضاع جلوگیری کرده و کمک‌رسانی کنند، همانند فعالیت‌های اخیر «سازمان نجات کودکان» که یک سازمان غیر دولتی در سوریه است، در رابطه با فعالیت‌های سایر سازمان‌ها و برنامه‌های جهانی غذا به طور مثال کار با برنامه جهانی غذا، می‌توانند نقش به‌سزایی را ایفا کنند.

### حق تغذیه کودکان

همانطور که بیان شد، حق تغذیه یک حق بنیادین هر فرد انسانی است و انسان بایستی از تغذیه کامل و سالم برخوردار باشد تا بتواند سالم باشد، به زندگی خود ادامه دهد و بتواند از سایر حقوق بشری خود بهره‌مند شود و به دیگر جوانب زندگی‌اش دست یابد. با توجه به وضعیت جسمانی و سنی کودکان و نیاز آن‌ها به غذا برای رشد تغذیه آنان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. میلیون‌ها کودک هر سال بر اثر سوءتغذیه و بیماری می‌میرند. حق تغذیه کودکان در اسناد تخصصی و موردی مربوط به کودکان مورد توجه قرار گرفته است، از جمله اعلامیه ژنو حقوق کودک، مصوب سال ۱۹۲۴ نیز شامل ۵ بند می‌باشد و به ذکر حقوقی که طفل می‌تواند از آن برخوردار باشد، پرداخته است. طبق بند ۲ این اعلامیه «کودکی که گرسنه است باید سیر شود، کودکی که بیمار است باید کمک شود، کودک بزه‌کار باید مورد تربیت و تعلیم قرار گیرد» (۱۶). اعلامیه

جهانی حقوق کودک مصوب سال ۱۹۵۹ که در مواد ۱، ۲، ۴، ۵ و ۸ این اعلامیه کودکان را برخوردار از کلیه حقوق بشری که برای رشد جسمی و ذهنی آنان لازم است، بدون استثنا و تبعیض می‌داند. همچنین کودکان حقوق برخورداری از امنیت تغذیه، مسکن و خدمات پزشکی قبل و بعد از تولد را برای کودکان به رسمیت می‌شناسد، اگرچه این اعلامیه به طور کامل نتوانست تمام جنبه‌های حقوق کودک را دربر گیرد، اما بدون شک تأثیر به‌سزایی در زمینه بهبود وضع زندگی کودکان داشته و حق آنان را در برخورداری از فرصت‌ها و تسهیلات ویژه، برای داشتن رشدی طبیعی و زندگی سالم و مورد شناسایی قرار داده و نقش مهمی در تدوین کنوانسیون حقوق کودک ایفا نموده است (۱۷). به نظر می‌رسد که از پیش درآمدها و مقدمات اقدام برای کنوانسیون کودک این دو بیانیه و اعلامیه حقوق کودک ژنو مصوب سال ۱۹۲۴ و اعلامیه حقوق کودک سال ۱۹۵۹ مجمع عمومی بوده‌اند.

با توجه به این که اعلامیه ۱۹۵۹ سازمان ملل متحد در مورد حقوق کودکان، تعهد اجرایی برای دولت‌ها ایجاد نمی‌کرد و ارزش حقوقی آن برابر با قطع‌نامه‌های مجمع عمومی ملل متحد بود و از سویی دیگر دنیا به وضوح شاهد تزییع حقوق کودکان بود، لذا تدوین یک معاهده بین‌المللی که مورد تأیید و پذیرش دول مختلف قرار گیرد، ضروری به نظر می‌رسید. لزوم تصویب یک سند در مورد حقوق کودکان در ابعاد بین‌المللی و فراگیر به دلیل تأثیر زیاد دوران کودکی در رشد و شکل‌گیری شخصیت آن‌ها و آسیب‌پذیری کودکان به علت شرایطی سنی و ناتوانی در مراقبت از خود و این که کودکان امروز، سازندگان فردای هر کشورند، در نظر گرفته شد. بنابراین می‌بایستی در پرتو تدوین قوانین و مقررات مناسبی از آن‌ها حمایت به عمل آید (۱۷). این نقائص با تصویب کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ برطرف گردید که ارائه‌کننده اصولی است که کشورهای عضو این معاهده، با بهره‌گیری از این اصول می‌توانند جهت تبیین حقوق اطفال، گامی مؤثر بردارند (۱۶).

### ۱- نگاهی به مفاد کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ مرتبط با حق تغذیه

کنوانسیون حقوق کودک از نقطه نظر مفاد حق‌ها و آزادی‌ها، تفاوتی ماهوی با اسناد عامی چون اعلامیه جهانی حقوق بشر ندارد، جز آنکه به دلیل خاص بودن موضوع این کنوانسیون، بخش‌هایی از آنکه به مسائلی خاص مربوط به کودکان اختصاص پیدا کرده است. از ویژگی‌های این کنوانسیون میزان شمول و گستردگی آن است بدین معنی که اصول و مفاد آن همواره کلیه کودکان جهان را علی‌رغم جنسیت، شرایط خاص قومی، نژادی ملیتی و... تحت پوشش قرار می‌دهد و همچنین اصول آن دارای سلسه مراتب نبوده و هیچ اصلی از آن مقدم بر اصول دیگر نمی‌باشد و بر اجرای اصول آن به عنوان ضرورت تأکید شده است (۱۷).

به نظر می‌رسد در رابطه با مفاد مرتبط با حق تغذیه کودکان در کنوانسیون حقوق کودک می‌توان به ۲ ماده ۲۴ و ۲۷ این کنوانسیون اشاره کرد، به طور صریح و واضح به حق دسترسی به استانداردهای مناسب زندگی که حق تغذیه یکی از مهم‌ترین آن‌هاست، اشاره می‌کند در ماده ۲۴ ذکر می‌کند که: ۱- کشورهای طرف کنوانسیون حق کودک را جهت برخورداری از بالاترین استاندارد بهداشت و از تسهیلات لازم برای درمان و توان‌بخشی به رسمیت می‌شناسد. آنان برای تضمین این‌که هیچ کودکی از رسیدن به این حق و دسترسی به خدمات بهداشتی محروم نخواهد شد، تلاش خواهند نمود؛ ۲- کشورهای طرف کنوانسیون موضوع را تا اجرای کامل این حق دنبال خواهند کرد و خصوصاً در زمینه‌های ذیل اقدامات مناسب را اتخاذ خواهند کرد:

- کاهش میزان مرگ و میر نوزادان و کودکان.
- تضمین فراهم‌نمودن مشورت‌های پزشکی و مراقبت‌های بهداشتی لازم در مورد تمام کودکان با تأکید بر گسترش مراقبت‌های اولیه.
- مبارزه با بیماری‌ها و سوءتغذیه از جمله در چارچوب مراقبت‌های بهداشتی اولیه از طریق به کار بستن تکنولوژی‌های در دسترس و از طریق فراهم‌نمودن مواد غذایی مقوی و آب آشامیدنی سالم و در نظر گرفتن خطرات آلودگی محیط زیست.
- تضمین مراقبت‌های قبل و پس از زایمان مادران.

- تضمین این که تمام اقشار جامعه خصوصاً والدین و کودکان از مزایای تغذیه، شیر مادر، بهداشت محیط زیست و پیشگیری از حوادث اطلاع داشته و به آموزش دسترسی داشته و در زمینه استفاده در اطلاعات اولیه بهداشت کودک و تغذیه مورد حمایت قرار دارند.

ماده ۲۷: ۱- کشورهای طرف کنوانسیون حق تمام کودکان را نسبت به برخورداری از استاندارد مناسب زندگی برای توسعه جسمی، ذهنی و روحی و اخلاقی و اجتماعی را به رسمیت می‌شناسند؛ ۲- والدین یا سایر اشخاص مسؤول کودک، مسؤولیت عمده‌ای در جهت تضمین شرایط زندگی مناسب برای پیشرفت کودک را در چارچوب توانایی‌ها و امکانات مالی خود به عهده دارند؛ ۳- کشورهای طرف کنوانسیون، مطابق با شرایط ملی و در چارچوب امکانات خود، اقدام ضروری را برای یاری والدین و سایر اشخاص مسؤول کودک در جهت اعمال این حق به عمل خواهند آورد و در صورت لزوم کمک‌های مالی و برنامه‌های حمایتی را خصوصاً در مورد تغذیه، پوشاک و مسکن فراهم خواهند کرد (۱۸).

## ۲- تعهدات دولت در قبال حق تغذیه به ویژه حق تغذیه کودکان

به طور کلی تعهدات دولت از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ناشی می‌شوند. مهم‌ترین ماده در این زمینه ماده ۲۱ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که طبق آن هر دولت می‌بایست گام‌هایی اتخاذ کند «تا حداکثر منابع در دسترس را به منظور دستیابی مترقیانه به کل حقوق شناخته‌شده به کار گیرد.» دولت‌ها متعهدند بدون توجه به میزان توسعه اقتصادی که از آن بهره‌مندند، رعایت حداقل حقوق مربوط به معاش را برای همه تضمین نمایند (۱۰). مسؤولیت احترام به حق غذا دولت‌ها را مجبور می‌کند تا تعهدات ملی و جهانی خاصی را پیروی کنند و به انجام برسانند. این حوزه به ویژه حوزه‌ای است که دولت‌ها به نظر می‌رسد در حال پیشرفتند (۴).

به موجب ماده ۲ میثاق، هر دولت عضو متعهد است بهره‌مندی از حقوق مندرج در میثاق را با استفاده از حداکثر منابع موجود و با تمامی تدابیر مناسب به صورت تدریجی تأمین می‌کند. ماده ۱۱ این میثاق نیز که به حق بر غذا اشاره می‌کند، باید با توجه به

ماده ۲ تفسیر شود، اما تدریجی بودن نهایی تأمین این حقوق بدین معنی نیست که دولت‌ها تعهد فوری به تأمین حداقل برخورداری اشخاص تحت صلاحیت خویش از این حقوق ندارند (۱۹).

ماده ۱۱ میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی یک فرمان سه بخشی برای اجرا و انجام این حقوق با توجه با سیاست‌های اندازه‌گیری بعدی، مطرح می‌سازد: اول، افزایش دسترسی و موجودیت ملی و بین‌المللی غذا، با افزایش تولید به خصوص به وسیله آماده‌سازی و توزیع دانش علمی و فنی، به منظور ارتقای روش‌های تولید، ذخیره و توزیع غذا؛ دوم، بالابردن دسترسی به غذا در سطوح کشور با تضمین توزیع مناسب جهانی غذا (مکمل‌های غذایی) با توجه به نیاز؛ سوم، هدف قراردادن بهره‌گیری از غذا به وسیله شناسایی تغذیه صحیح و خوب به عنوان رابط ضروری بین دسترسی غذایی و نتایج سلامت در سطح شخصی. بنابراین ماده ۱۱، پاراگراف دوم به کشور توصیه می‌کند تا «دانش اصول تغذیه» را برای بهره‌گیری مناسب غذایی منتشر سازند (۴).

به نظر می‌رسد دولت‌ها وظیفه دارند بدون تعلل وضعیت موجود در کشور را به طور کلی مورد ارزیابی قرار دهند و این ارزیابی‌ها را در فواصل کوتاه تکرار نمایند. از طریق چنین ارزیابی‌هایی، می‌بایست گروه‌هایی را که فاقد سطح مناسبی از زندگی هستند مورد شناسایی قرار داده و بر همین اساس فوراً اقدامات ضروری برای بهبود وضعیت آن‌ها اتخاذ نمود. لازم است که به طور مرتب ارزیابی‌های مجددی انجام پذیرد، چراکه از طریق ارزیابی مجدد، می‌توان دریافت که آیا اقدامات اتخاذشده، به طور حقیقی باعث بهبودی وضعیت گروه‌های مورد نظر گردیده یا خیر و از طرف دیگر تعیین این‌که آیا گروه‌های دیگری که قبلاً مورد شناسایی قرار نگرفته‌اند، از نظر برخورداری از سطح مناسب زندگی با مشکل مواجه‌اند یا خیر.

طراحی چارچوب سیاسی ملی برای اجرای حق غذا، ذاتاً یک فرایند سیاسی است. یک دولت می‌تواند نقش‌های مختلفی را در تحقق حقوق بشری بازی کند و می‌تواند از گونه‌های مختلف حقوق و قوانین داخلی و سیاست‌های اجتماعی برای انجام آن استفاده

کند. یک کشور می‌تواند انتخاب کند که قانون حق غذا را وضع کند یا می‌تواند از مصوبه قانونی برای تضمین تحقق و تدارک این حق استفاده کند (۴).

یکی از تدابیر مناسب برای تحقق حقوق مندرج در میثاق در سطح ملی توسط دولت‌ها قانونگذاری است. در زمینه حق بر غذا نیز یکی از اقدامات دولت‌ها، شناسایی این حق در قوانین اساسی یا عادی است. کشورهای متعددی در قوانین اساسی خویش به این حق یا یک قاعده مرتبط اشاره کرده‌اند (۱۹).

در نهایت این‌که دولت‌ها متعهد به تحقق کامل حق بر غذا از جمله امنیت غذایی به معنای اطمینان از تغذیه با مواد خوراکی بهداشتی و ایمن و کافی هستند. این تعهد به طور مستقیم زمانی لزوم پیدا می‌کند که احترام، حمایت و تسهیل، ناکافی بوده و حق بر غذا محقق نشده است. بنابراین حق تغذیه بدون حمایت دولتی امری بی‌معنا خواهد بود. بر اساس حقوق بین‌الملل دولت‌ها تابعین اصلی حقوق بین‌الملل هستند که مسؤولیت دارند دستیابی مردم به حقوق بشر را تضمین نمایند. بر اساس ماده ۲ میثاق، دولت‌های عضو متعهدند که اقداماتی که در جهت تحقق تدریجی حق بر غذا اتخاذ کنند و در این راه از تمامی ابزارهای مناسب و ممکن در دسترس بهره بگیرند، اگرچه این تحقق تدریجی با لحاظ شرایطی از قبیل «حداکثری از منابع در دسترس» محدود شده است. از طرف دیگر بنا به نظر کمیته «تحقق تدریجی» یک تعهد پایه‌ای حداقلی برای دولت‌ها ایجاد می‌کند که بر اساس آن هر دولت عضو باید اطمینان پیدا کند که تمامی افراد تابع صلاحیت آن دولت، به سطح پایه‌ای خوراک ضروری برای زندگی‌ای که ایمن، بهداشتی، کافی و مغذی باشد، دسترسی دارند. بنابراین هر دولت عضوی که مردمانش از خوراک کافی و بسنده محروم باشند، نقض‌کننده میثاق است (۱۹).

به نظر می‌رسد وظایف، مسؤولیت‌ها و تعهدات دولت در قبال کودکان به وضوح در کنوانسیون حقوق کودک بیان شده است و کنوانسیون دولت‌ها را متعهد به انجام مواردی می‌کند که در مفاد آن ذکر شده است، به طور مثال کنوانسیون دولت‌ها را موظف به تأمین خانواده و حمایت از کودک در جهت منافع او می‌داند. ماده ۴

کنوانسیون حقوق کودک نیز به ماهیت تعهدات دولت‌ها در تضمین حق‌ها و آزادی‌های مقرر در این کنوانسیون می‌پردازد.

ماده ۴ مقرر می‌دارد: «دولت‌های عضو متعهد می‌شوند که برای اجرای حقوقی که در این کنوانسیون به رسمیت شناخته شده، کلیه اقدامات مناسب قانونی، اجرایی و... را به عمل آورند و در ارتباط با حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت‌های عضو متعهد می‌شوند که این‌گونه اقدامات را با در نظر گرفتن حداکثر ظرفیت منابع موجود خود و در صورت لزوم در چارچوب همکاری بین‌المللی به عمل آورند.» مواد ۳ و ۴ کنوانسیون به تکالیف و تعهدات دولت در مقابل تأمین و حمایت از حقوق کودک تحت عنوان حمایت از عالی‌ترین منافع کودک یا تأمین بیشترین منافع کودک اختصاص یافته است.

### نتیجه‌گیری

تغذیه از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین حقوق بشری است و سلب و نقض آن به حمایت بشری صدمه می‌زند و حق حیات هم مهم‌ترین حق فرد است که او را از سایر حقوق برخوردار می‌کند. بنابراین اگر حق تغذیه فرد دچار خدشه و یا نقضی بشود، سایر حقوق او نیز بی‌تأثیر از آن نخواهند بود. این حق در مورد کودکان از اهمیت بیشتری برخوردار است، زیرا کودکانی که امروز، غذا، بهداشت و آموزش مناسب و کافی نداشته باشند، آینده‌ای جز معلولیت‌ها و عقب‌ماندگی جسمی و ذهنی نخواهند داشت. کودک فقط یک بار فرصت رشد دارد و آن فرصت امروز است. کودکی که سلامتی‌اش را در دوران کودکی‌اش به دلیل سوءتغذیه از دست می‌دهد، نمی‌توان در بزرگسالی او با غذا و بهداشت مناسب و بیشتر به او برگرداند. شناخت بیشتر و روشن‌تر عوامل پدیدآورنده مشکلات سوءتغذیه، و راه‌ها و وسائل از پیش پای برداشتن این مشکلات، به ویژه در مورد زنان، کودکان و افراد سالخورده، مستلزم همکاری جامعه جهانی است.

در این زمینه به نظر نگارندگان پیشنهاداتی به شرح ذیل می‌توان بیان کرد:

برای کمک به تحقق حق تغذیه وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دست‌اندرکار اعم از بخش دولتی و خصوصی در داخل کشورها تمام همت خود را در جهت تحقق این حق اساسی به کار گیرند.

دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی باید در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان خود در زمینه حق تغذیه، تلاش و توجه خود را بیشتر متوجه کسانی کنند که نیازمندی بیشتری دارند.

دولت‌ها بایستی قوانین و مقررات حمایتی از حق تغذیه به ویژه در مورد حمایت از حق تغذیه کودکان تدوین کنند و بودجه مناسب را به آن اختصاص دهند.



### References

1. Bellows A, Immink M, Oenema S, Patnaik B, Siles F, Speicher S. Right to food and nutrition watch, Claiming Human Rights. Heidelberg: The Accountability Challenge, FIAN International Publishing; 2011. p.8.
2. Bahrpima Z, Mohebbi N. The role of nutrition and the goals of nursing education in promoting physical and mental health of human beings, selected articles of the first national conference on urban health (food and nutrition security). Tehran: Jameshenasan Publications; 2010. Vol.5 p.69-71.
3. United Nations Food and Agriculture Organization. 2010. Available at: <http://www.fao.org/news/archive/news-by-date/2010/en/?page=5&ipp=10>.
4. Randolph S, Hertel SH. The right to food: A global Overview. Economic Rights Working Papers 19, Human Rights Institute, University of Connecticut. Economic Rights Working Papers 2012; 19: 1-22. Available at: [https://www.researchgate.net/publication/241767983\\_The\\_Right\\_to\\_Food\\_A\\_Global\\_Overview](https://www.researchgate.net/publication/241767983_The_Right_to_Food_A_Global_Overview).
5. Abbasi B. Human Rights and Fundamental Freedoms. Tehran: Dadgostar Publishing; 2011. p.39-267.
6. Akbari P. The right to food in the international legal system; Concept and Mechanism. Master Thesis. Tehran: Faculty of Law, Shahid Beheshti University; 2011. p.127.
7. Ebrahim Gol A. The Right to Food: A Prerequisite for the Realization of Other Rights. International Legal Journal 2008; 25(39): 221-243.
8. Zakerian M. Key Concepts of International Human Rights. 2nd ed. Tehran: Mizan Publishing; 2009. p.180-222.
9. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights. 1966. Available at: <https://www.ohchr.org/en/professionalinterest/pages/cescr.aspx>.

10. Idee AK, Casarina Rosas A. Economic, Social and Cultural Law. Translated by a group of translators under the supervision of Ardeshir Arjmand. Tehran: Majd Publishing; 2012. p.137-138.
11. Vienna Declaration and Programme of Action Adopted by the World Conference on Human Rights in Vienna on 25 June 1993. 1993. Available at: <https://www.ohchr.org/EN/ProfessionalInterest/Pages/Vienna.aspx>.
12. Aghaei SD. International Organizations. Tehran: Sarayeh Adalat Publications; 2008. p.26.
13. Isari Kasmaei A. United Nations in Today's World. Tehran: Abarun Publishing; 2009. p.172-189.
14. Mosafa N. United Nations Guide. Tehran: Ministry of Foreign Affairs; 1995. Vol.2 p.109, 247-248.
15. Ziaee Bigdeli MR. Public International Law. 33th ed. Tehran: Ganj-e Danesh Library Publishing; 2008. p.251.
16. Abachi M. The position of children in UN documents, a selection of scientific dissertations in the field of international law. Tehran: Javadaneh Publications; 2008. Vol.2 p.218-220.
17. Mosafa N. Convention on the Rights of the Child and its exploitation in Iranian domestic law. 1st ed. Tehran: Gerayesh Publication; 2004. p.3-4, 7.
18. Convention on the Right of the Child. 1989. Available at: <https://www.ohchr.org/en/professionalinterest/pages/crc.aspx>.
19. Talaei F, Razmkhah A. Obligations of Governments towards the Right to Food According to Article 11 of the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights. Law Quarterly, Journal of the Faculty of Law and Political Science 2013; 43(2): 112-125.